

حضرات خمس در شروح مختلف فصوص الحکم ابن عربی

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی شروح فصوص الحکم و ارائه معنی حضرات خمس و تقسیمات و بیان نظریات شارحان مختلف و همچنین موارد اختلاف و مشابه آنهاست. در این باره، با بررسی بیش از سی شرح مختلف فصوص الحکم این موارد نشان داده شده است: آنجایی که حضرات خمس یک اصطلاح بیش نیست، اما اهل کشف و تحقیق، در تقسیم آن یا از راه تقلید و یا نوآوری نظر داده‌اند، در مجموع، مراتب کلی هستی را که محل تجلی و ظهورات حق است، «حضرات» نامیده‌اند که برخی تعداد آن را پنج و برخی دیگر شش گفته‌اند، نتیجه اینکه حضرات خمس اصطلاحی است که در متون عرفانی، به خصوص در شروح مختلف آثار ابن عربی دیده می‌شود که البته نامگذاری هر یک از حضرات در بین تمام شارحان همسان نیست؛ هر یک بنا بر آگاهی و ذوق خود آن را تقسیم‌بندی کرده‌اند در پایان نیز جدولی برای دسترسی اجمالی به آن ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: حضرات خمس، ذات، ارواح، مثال، حس و شهادت، انسان کامل.

مقدمه

در میان اصطلاحات عرفانی، «حضرات خمس» اصطلاحی است، که شارحان فصوص الحکم ابن عربی بدان پرداخته‌اند، اما مسأله اصلی این موضوع، تبیین معنی و بیان طبقات و تقسیمات آن و اختلافات و مشابهات آن است. محیی‌الدین ابن عربی (المتوفی ۶۸۳ هـ = ۱۲۴۰ م) که قدوه قائلان به وحدت وجود، مؤلف پانصد کتاب و رساله است (جامی، ۱۳۸۲: ۵۴۶) فصوص الحکم را با بیست و هفت فص که هر فسی را با نام پیامبری و داستان مربوط به او، همراه رموز عرفانی، اصطلاحات صوفیانه، آیات قرآن، احادیث، علم کلام، فلسفه مشائی و افلاطونی، فلسفه فیلون یهودی و رواقیون و غیره به رشته تحریر در آورده است و آنها را در خدمت مشرب فکری خود، یعنی وحدت وجود قرار داده است؛ افراد بسیاری بعد از ابن عربی به زبان فارسی، عربی، ترکی استانبولی، بر این اثر شرح نوشته‌اند که به طور یقین وجود این

شروع، چه از لحاظ استقبال و چه از لحاظ اعتراض بدان دال بر اهمیت این اثر عرفانی است. نکته قابل تأمل این است که برخی از شارحان، اصطلاحات خاصی را چون حضرات خمس در شروع خود مطرح کرده‌اند که ابن عربی آن را در *فصوص الحکم* به کار نبرده است. صدرالدین قونوی اولین شارح فصوص الحکم در «الفکوک» از شروع مهم *فصوص الحکم* است و از لحاظ فهم مبانی، حل مشکلات، مصطلحات، رموز و معضلات *فصوص الحکم* و شناخت مباحث عرفانی آن، دارای اهمیت بسیاری است، حضرات خمس و تقسیمات آن را مطرح کرده است و بعد از او شارحان دیگری از جمله جندی، قیصری، کاشانی و... به آن پرداخته‌اند.

پیشینه تحقیق

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد در ایران درباره حضرات خمس و معنی و طبقات آن مقاله و تحقیقی انجام نشده است. فقط مرحوم آشتیانی در ابتدای مقدمه شرح قیصری به آن پرداخته‌اند و ویلیام چتیک نیز مقاله‌ای با این عنوان دارند که آن را از منظر دیگری بررسی کرده‌اند که متأسفانه آن را به دست نیاوردم. بنابراین در این مقاله فقط از منابعی که در آنها این اصطلاح به کار رفته، استفاده شده است.

اهل کشف و تحقیق پنج حضرت یا حضرات خمس در تجلیات حق قائل شده‌اند. از آنجایی که حق وجود محض است و وجود جمیع موجودات بدان حضرت منتهی می‌شود و آن حضرت منتهای همه موجودات است و حق مانند نور، در ذات خود اقتضای ظهور می‌کند و چون ذات حق مجهول مطلق است، بشر از درک آن عاجز می‌ماند، بدین جهت شناخت حق فقط از طریق شناخت ظهورات و صادرات او ممکن می‌شود؛ براین اساس، حضرات، محل تجلی حق به جهت ذات یا به اعتبار صفتی از صفات اوست که این ظهورات «عوالم»، «مراتب» و «حضرات» نامیده شده‌اند. (جامی، ۱۳۷۰: چهل و شش). بنابراین «حضرات خمس» مراتب ظهور حق در پنج مرتبه است که به ترتیب عبارتند از:

حضرت اول

این حضرت عالم معانی (قونوی، ۱۳۷۱: ۲۷۳، شماره ۱۶/۱۰؛ فرغانی، ۱۳۵۷: ۱۴۳؛ جامی، ۱۳۰۴: ۱۹۸) و حضرت غیب که شامل اسماء، صفات، اعیان ممکن، معانی مجرد و تجلیات (قونوی، ۱۳۷۵: ۱۷؛ قونوی، ۱۳۶۲: ۱۹) و یا مرتبه غیب است. (فنازی، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

آن را عالم معانی و صورت اشیاء در حق تعالی، یعنی اعیان ثابت‌گفته‌اند (جندی، ۱۳۸۱: ۳۲؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۶۳۳؛ خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۸۲).

برخی آن را حضرت ذات و یا مرتبه ذات می‌نامند (کاشانی، ۱۳۲۱: ۱۳۴، ۱۱۰؛ آشتیانی، ۱۳۸۰: ۴۵۰؛ نابلسی، ۱۳۰۴: ۲۷۲).

آن، حضرت غیب مطلق یا حضرت ذات نامیده می‌شود (ابن عربی، ت: ۸۰) و یا غیب مطلق و عالم آن اعیان ثابت است (بابارکنا: ۱۷؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۹۰؛ قیصری، ۱۳۵۷: ۱۵؛ جرجانی، ۱۳۶۶: ۳۹؛ آملی، ۱۳۶۸: ۵۵۹؛ خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۰) و یا حضرت حقیقت در عین ثابت و علم الهی بیان کرده‌اند (مهائمی، ۱۳۷۹: ۹۰).

حضرت و مرتبه غیب و معانی که آن حضرت ذات است به تجلی و تعین اول و ثانی و شؤونی که بر آن شامل می‌شود که اولاً اعتبارات و ثانیاً حقایق الهیه و کونیه است. (جامی، ۱۳۷۰: ۳۰-۳۲) و همچنین آن هویت غیب مطلق و حقیقت الحقایق و غیر قابل اشاره است و وصف آن در زبان نمی‌گنجد و هیچ عقلی و فهمی بدان راه نمی‌یابد، فقط در همین حد که با نور کشف محقق می‌شود و در این عالم از ذات خود به ذات خود تجلی می‌کند که آن تجلی از حضرت احدیت اوست و نفس رحمانی که آن هیولای کلیه است و علم ذات به ذاتش را شامل می‌شود و هر آنچه در اوست، آن را تعین اول می‌نامند که جمیع اعیان ثابت در حضرت این علم، به صورت عقل ظاهر می‌شوند (پارسا، ۱۳۶۶: ۱۸۱، ۴۳، ۴۰، ۶) و یا این که عالم جبروت است (آملی، ۱۳۵۲: ۶۰ شماره ۱۴۶).

حضرت دوم

آن، عالم ارواح (قونوی، ۱۳۷۱: ۲۷۳، شماره ۱۶/۱۰؛ جنیدی، ۱۳۸۱: ۳۲؛ خوارزمی، ۱۳۶۸، ص/۲۸۳؛ جامی، ۱۳۰۴: ۱۹۸؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۶۳۳؛ آشتیانی، ۱۳۸۰: ۱۴۵۱) و حضرت ارواح اعلی و روح اعظم و آنچه با قلم اعلی به امر او نگاشته می‌شود (قونوی، ۱۳۷۵: ۱۷). در این مرتبه آنچه در کون و هستی ظاهر می‌شود به خصوص علم و وجدان بر سه قسم شده است و مراتب بعدی جزء تقسیمات این مرتبه آورده شده است (فناری، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

این حضرت، مقابل حضرت اول که آن را مرتبه شهادت و حس می‌خوانند و از حضرت عرش رحمانی تا به عالم خاک واقع شده است و تمامی آنچه در این میان است از صور اجناس تا انواع و اشخاص عالم را شامل می‌شود (فرغانی، ۱۳۵۷: ۱۴۳؛ جامی، ۱۳۷۰: ۳۰-۳۲).

آن، حضرت صفات، اسماء و حضرت الوهیت است (کاشانی، ۱۳۲۱: ۱۳۴، ۱۱۰) و یا عالم جبروت نامیده شده است (بابارکنا: ۱۷؛ قیصری، ۱۳۵۷: ۱۵) آن، حضرت الهیت و عالم آن، جبروت که مبدأ کثرات

و حضرت اسماست، حق در این مرتبه از حضرت احدیت به حضرت واحدیت تنزل می کند (پارسا، ۱۳۶۶: ۷).

حضرت غیب مضاف که نزدیک به غیب مطلق و عالم آن، عالم ارواح جبروتیه، ملکوتیه که عالم عقول و نفوس مجرد است (قیصری، ۱۳۷۵: ۹۰؛ جرجانی، ۱۳۶۶: ۳۹؛ خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۰؛ آملی، ۱۳۶۸: ۵۵۹).

این مرحله، عالم ارواح او، یعنی نفس رحمانی متعین به عین ثابت است (مهائمی، ۱۳۷۹، ص/۹۰) و مرتبه صفات است (نابلسی، ۱۳۰۴: ۲۷۲).

برخی آن را عالم ملکوت نامیده اند (آملی، ۱۳۵۲: ۶۰ شماره ۱۴۶) و یا حضرت عقول است (ابن عربی، ت، ص/۸۰).

حضرت سوم

آن را حضرت مثال، (قونوی، ۱۳۷۱: ۲۷۳، شماره ۱۰/۱۶؛ جندی، ۱۳۸۱: ۳۲؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۶۳۳؛ آشتیانی، ۱۳۸۰: ۴۵۱) حضرت مثال مطلق (جامی، ۱۳۰۴: ۱۹۸؛ خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۸۳) و حضرت غیب مضافی که به حضرت شهادت مطلق نزدیکتر است و عالم آن را عالم مثال گفته اند (آملی، ۱۳۶۸: ۵۶۰) و همچنین بین حضرت غیب و شهادت، حضرت وسط جامع مختص عالم انسان است (قونوی، ۱۳۷۵: ۱۷).

و آن را حضرت ارواح (فناری، ۱۳۸۳: ۳۲۹؛ فرغانی، ۱۳۵۷: ۱۴۴؛ جامی، ۱۳۷۰: ۳۱؛ ابن عربی، ت، ص/۸۰) و عالم ملکوت نام برده اند (بابارکنا: ۱۷؛ قیصری، ۱۳۵۷: ۱۵) و یا آن را حضرت غیب مضافی که به عالم شهادت مطلقه نزدیکتر است و عالم آن را عالم مثال که عالم ملکوت است (جرجانی، ۱۳۶۶: ۴۰؛ خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۵) و در این حضرت، حق از حضرت واحدیت و الهیت به حضرت لوح محفوظی تنزل می کند که نفس ناطقه و عالم امر، عبارت از آن است و عالم آن، عالم ملکوت است (خواجه پارسا، ۱۳۶۶: ۸).

و حضرت افعال که آن حضرت ربوبیت است (کاشانی، ۱۳۲۱: ۱۱۱) و آن را صورت جسمانی و شخصیت او (مهائمی، ۱۳۷۹: ۹۰) و یا مرتبه اسماء (نابلسی، ۱۳۲۳: ۲۷۲) و عالم ملک می نامند (آملی، ۱۳۵۲: ۶۰ شماره ۱۴۶).

حضرت چهارم

آن، عالم حس (قونوی، ۱۳۷۱: ۲۷۳ شماره ۱۶/۱۰؛ آشتیانی، ۱۳۸۰: ۴۵۱) یا عالم حس که عالم مثال و خیال منفصل (فرغانی، ۱۳۵۷: ۱۴۴؛ جامی، ۱۳۷۰: ۳۱) و حضرت مثال مقید است. (جامی، ۱۳۰۴: ۱۹۸). همچنین عالم مثال مقید که محل استقرار کتب الهی و کتبی است و از کتاب ربانی منشعب و متفرع می‌شود و اختصاص به آسمان دنیا دارد (قونوی، ۱۳۷۵: ۱۷) و مرتبه مثال (ابن عربی، ت، ص/۸۰؛ فناری، ۱۳۸۳: ۳۲۹) و حضرت مثال و خیال بیان شده است. (کاشانی، ۱۳۲۱: ۱۱۱).

این حضرت محامد ارواح و معانی بر حق و بالعکس، یعنی محامد حق بر ارواح و معانی که اولی صور تمثیلی است که در آن ارواح و معانی در قالب روحانی و نورانی تنزل می‌کند و دومی بر حسب تخیل و مرتبه اش و شهودش نازل می‌شود (جندی، ۱۳۸۱: ۳۲).

این حضرت عالم ملک (بابارکنا: ۱۷؛ قیصری، ۱۳۵۷: ۱۵؛ خواجه پارسا، ۱۳۶۶: ۱۰) و حضرت شهادت مطلق که عالم آن، عالم ملک است (قیصری، ۱۳۷۵: ۶۳۳، ۹۰؛ جرجانی، ۱۳۶۶: ۴۰؛ خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۵) و این که این مرتبه حقیقت قلبیه احدیت و جامع روحانیت و طبیعت گفته شده است (مهائی، ۱۳۷۹: ۹۰) و مرتبه افعال است (نابلسی، ۱۳۲۳: ۲۷۲).

برخی آن را عالم شهادت (خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۸۳؛ آملی، ۱۳۶۸: ۵۶۰) و یا عالم عقول و حضرت شهادت مطلق نامیده‌اند (آملی، ۱۳۵۲: ۶۰ شماره ۱۴۶).

حضرت پنجم

این حضرت، حضرت شهادت و صفات و اعیان ممکنه و معانی مجرده و تجلیات است (قونوی، ۱۳۷۵: ۱۷).^۵

برخی شش مرتبه قائل شده‌اند و مرتبه پنجم را مرتبه حس و عالم شهادت و اجسام و ششم را عالم انسان کامل (فناری، ۱۳۸۳: ۳۲۹) و یا عالم ارواح و عالم ششم، عالم اجسام نامیده‌اند (آملی، ۱۳۵۲: ۶۰ شماره ۱۴۶).

آن، عالم اجسام که به صورت جمع و فرادی حق را حمد می‌کنند (جندی، ۱۳۸۱: ۳۲).

این حضرت جامع تمام حضرات که تقضیلاً حقیقت عالم، اجمالاً صورت عنصری انسانی است (فرغانی، ۱۳۵۷: ۱۴۴؛ جامی، ۱۳۷۰: ۳۱).

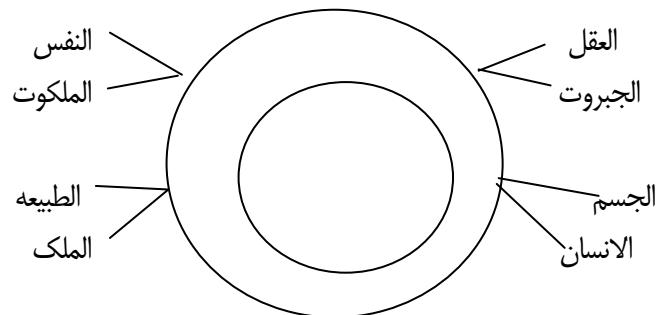
آن را حضرت حس و مشاهده نامیده‌اند (کاشانی، ۱۳۲۱: ۱۱۱؛ جامی، ۱۳۰۴: ۱۹۸) و عالم انسان کامل خوانده شده است (بابارکنا: ۱۷؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۹۰، ۶۳۳؛ جرجانی، ۱۳۶۶: ۴۰؛ آملی، ۱۳۶۸: ۵۶۰؛ خوارزمی، ۱۳۶۸: ۲۵، ۲۸۳؛ خواجه پارسا، ۱۳۶۶: ۱۰).

این حضرت، حضرت حس که حق در این مرتبه متجلی به صور کونیه است که به عالم شهادت مطلق و عالم ماده تعبیر شده است و از عالم خیال نیز تعبیر به شهادت مضاف شده است و در نهایت این حضرت کون جامع و حقیقت انسان کامل است (آشتیانی، ۱۳۸۰: ۴۵۱).

این حضرت، عقل او، یعنی قوه‌ای که به وسیله آن حقایق ضبط می‌شود و بدان تعقل ورزیده، علوم و حکم را حل واز هم متمایز می‌شوند (مهائمی، ۱۳۷۹: ۹۰) و یا مرتبه احکام است (نابلسی، ۱۳۲۳: ۲۷۲) و حضرت حس است (ابن عربی، ت، ص/۸۰).

نتیجه

همانگونه که ذکر شد حضرات و یا عوالم و مراتب، از تجلی حق تعالی پدید می‌آیند و در حقیقت از سوی حق تعالی یک تجلی بیش نیست، اما به حسب اختلاف تجلیات و تعینات به حضرات و عوالم و مراتب تقسیم شده‌اند و برای شناخت حضرات یا باید در همه حضرات سیر کرد و یا در وجود خود به سیر پرداخت. حضرات خمس با وجود اینکه یک اصطلاح بیش نیست، ولی هر یک از شارحان به دلخواه خود و یا به تقلید از یکدیگر آن را طبقه‌بندی و نامگذاری کرده‌اند، برخی از آنها در خطبه کتاب و مقدمه و یا شرح خود به مناسبتی مطرح کرده‌اند؛ به طور مثال: جندی، خوارزمی، قیصری و جامی یک بار آن را در خطبه کتاب و مقدمه؛ بار دیگر مانند سایر شارحان در متن شرح خود به کار برده‌اند و حتی برخی از آنها این اصطلاح را در شرح یک فص خاصی استفاده کرده‌اند، مثل جندی، عبدالرزاق کاشانی و جامی در *تقدیر النصوص* در فص یوسفیه و جندی بار دیگر در فص شیشه و قیصری و خوارزمی، پارسا در فص اسحاقیه و صدرالدین قونوی در *فکوک*، فص سلیمانیه و جامی در *شرح فصوص الحکم* در فص ابراهیمیه آن را مطرح کرده‌اند. شیخ حیدر آملی نیز در «مقدمات من کتاب نص النصوص، ص/۱۰۱، شماره/۲۳۶ در بحث مربوط به «قاب قوسین اوادنی» دایره‌ای به نام دایره وجود مطلق حقیقی به اعتبار خط وهمی در نظر گرفته است که بدین قرار است:



اگر اولین شارح را صدرالدین قونوی، پسر خوانده و شاگرد ابن عربی به حساب آوریم، جندی شاگرد قونوی و سپس قیصری شاگرد عبدالرزاق کاشانی را جزء بهترین شارحان در نظر بگیریم، خواهیم دید که اکثر شارحان عیناً و یا با کمی اختلاف این اصطلاح را از آنها تقلید کرده‌اند؛ فرغانی و جامی مثل هم آن را به کار برده‌اند و جرجانی، خوارزمی و شیخ حیدر آملی عیناً از قیصری تقلید کرده‌اند و برخی از شارحان در چند جای شرح خود و یا در دیگر آثار خود آن را برای بیان مقاصد عرفانی خود به کار برده‌اند و در تقسیمات حضرات نیز گاهی با هم اختلاف دارند، به طور مثال، جامی^۶ این مراتب را منحصر در پنج مرتبه دانسته، دو مرتبه از آن را به حق سبحانه و تعالی و سه مرتبه دیگر را به کون و هستی نسبت داده است و مرتبه ششم را جامع بین آن دو دانسته، درص/۱۸۱ از زبان عبدالرزاق کاشانی نقل کرده است و قیصری^۷ آن را مطرح کرده، ولی تقسیمات آن را در رسائل نیاورده است. خوارزمی^۸ در فص اسحاقیه^۹ به نوعی دیگر حضرات خمس را توضیح داده است، ولی علی رغم آنها چند تن از شارحان دیگر مانند، شاه‌نعمت الله ولی، صائن‌الدین ترکه اصفهانی، بالی افندی، محمود محمودالغراب در شرح خود وارد این مقوله نشده‌اند و برخی دیگر از جمله جندی، جامی در *تقدّم‌النصوص*، صدرالدین قونوی و حمزه فناری در *مفتاح الغیب* و مصباح الانس به جای پنج حضرت به شش حضرت قائل شده‌اند. بدین طریق معلوم می‌شود اکثر شارحان با وجود این که یک اصطلاح بیش نیست، اما به تقلید از یکدیگر و نوآوری از هم مراتب و حضرات خاصی را بیان کرده‌اند.

ابن عربی به شش حضرت قائل شده است که تقسیم‌بندی یا مراتب و موضوع آن با حضراتی که شارحان *فصوص الحکم* مطرح کرده‌اند، کاملاً فرق دارد، (ابن عربی، ج/۲، ص/۴۳)، همچنین «الفکوک» صدرالدین قونوی از لحاظ فهم مبانی و حل مشکلات و مصطلحات و رموز و معضلات *فصوص الحکم* دارای اهمیت است و در شناخت مباحث عرفانی *فصوص الحکم*، نقش بسیار زیادی دارد، می‌توان آن را از

شروح مهم *فصوص الحکم* به شمار آورد، در آن به چهار حضرت و در *النفحات الالهیه* به پنج حضرت اشاره کرده است، حمزه فناری در *مصباح الانس* شرح *مفتاح الغیب صدرالدین قونوی*، مؤیدالدین جندی شاگرد صدرالدین قونوی^{۱۰}، و دیگر شارحان معروف این اثر چون، کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی، رکن‌الدین شیرازی^{۱۱}، داوود قیصری، حیدرعلی حسینی آملی، عبدالرحمان جامی، عبدالغنی نابلسی، خوارزمی، ابوالعلائی عقیفی و... این اصطلاح را در شرح *فصوص الحکم* خود به کار برده‌اند؛ نگارنده در این مقاله سعی کرده است موارد اختلاف شارحان در به کارگیری عوالم، حضرات و مراتب در حضرات خمس را مشخص کند.

یادداشتها

۱. ترجمه این اثر: خواجوی، ۱۳۷۱: ۵۸.
۲. محمد داوود قیصری، در «شرح فصوص الحکم»، دوازده فصل ترتیب داده، در فصل پنجم آن «الفصل الخامس فی بیان العوالم الکلیه و الحضرات الالهیه» به طور مجزا به حضرات خمس پرداخته است، در نظر او، اولین حضرت، حضرت کلیه و حضرت ذات است که از آن به غیب الغیوب، غیب مطلق، عنقاء مغرب و غیره تعبیر کرده است؛ در این مقام شامخ نه از اسم خبری است و نه از اعیان و مظاهر، هیچ کس به این مرتبه راه نمی‌یابد؛ مصنف مقام ذات را جزء حضرات به حساب نیاورده است و اولین مرتبه را حضرت واحدیت نامیده است که عالم این حضرت از تجلی اول آن مقام ظهور می‌یابد و عالم اعیان ثابت و عالم اسماء و صفات است که در اصل در این مرتبه ظهوری نیست.
۳. در ص ۱۸۱ از عبدالرزاق کاشانی آن را نقل می‌کند.
۴. پارسا در صفحه ۱۰/ این حضرات را به ترتیب غیب مطلق، جبروت، ملکوت، ملک و انسان کامل گفته است.
۵. قونوی، ۱۳۷۱: ۲۷۳، شماره ۱۶/۱۰ دربارہ این حضرت سخنی به میان نیاورده است.
۶. در نقد النصوص، صص ۳۲-۳۰.
۷. مقدمه شرح فصوص الحکم، در فصل پنجم، ص ۹۰ و ص ۶۳۳؛ رسائل قیصری، ص ۱۵.
۸. مقدمه شرح قیصری را در ص ۲۴ آورده است.
۹. خوارزمی، ص ۲۸۳.
۱۰. همدوره عقیف الدین تلمسانی که از اولین و کاملترین شارحان فصوص الحکم بعد از صدرالدین قونوی به شمار می‌رود.
۱۱. معروف به «بابارکنا»

نگاهی به حضرات خمس در شروح مختلف فصوص الحکم

حضرت اول	حضرت دوم	حضرت سوم	حضرت چهارم	حضرت پنجم	حضرت ششم	توضیحات
-	-	-	-	-	-	نقش الفصوص ابن عربی
-	-	-	-	-	-	فتوحات مکیه ابن عربی
عالم معانی	الارواح	عالم مثال	عالم حس	صورت عنصری انسانی	-	الفکوک صدرالدین قونوی
حضرت غیب	حضرت ارواح	حضرت وسط جامع	عالم مثال	شهادت و حس	-	الفحاحات الالهیه صدر الدین قونوی
مرتبه غیب	مرتبه ارواح	مرتبه مثال	عالم حس	عالم شهادت و اجسام	انسان کامل	مفتاح الغیب و مصباح الانس صدرالدین قونوی و فناری
غیب مطلق، عالم آن، عالم اعیان ثابته	حضرت غیب مضاف و عالم آن ارواح چربوتیه و ملکوتیه	غیب مضاف و عالم آن عالم مثال	حضرت شهادت و عالم آن ملک عالم	عالم انسان جامع جمیع عوالم	-	جامع الاسرار و منبع الانوار شیخ حیدر آملی
حقیقت و هو عنه الثابته فی العلم الالهی (عالم غیب)	روح و حقیقت الذات الرحمانی (شهادت)	جسمه و شخصیت جسمانیه (حس)	حقیقته القلییه و احدیة جمع روحانیته و طبیعت	عقله و هو القوة التي بها يضبط الحائق	انسان کامل	شرح فصوص الحکم مؤیدالدین جندی
حضرات ذات، اعیان ثابته (اعیان ثابته)	حضرت اسماء (ارواح)	حضرت افعال (عالم مثال)	حضرت مثال و خیال (عالم حس)	حضرت حس (انسان کامل)	-	شرح مقدمه قیصری سید جلالدین آشتیانی
عالم المعانی و اعیان ثابته	عالم ارواح	عالم مثال	عالم حس و شهادت	عالم انسان کامل	-	شرح فصوص الحکم محمد داوود قیصری
عالم معانی و اعیان ثابته	عالم ارواح	عالم مثال	عالم شهادت	عالم انسان کامل	-	شرح فصوص الحکم تاج الدین حسین خوارزمی
غیب مطلق، اعیان ثابته	چربوت	ملکوت	ملک	انسان کامل	-	شرح فصوص الحکم خواجه پارسا
مرتبه غیب و معانی	شهادت و حس	ارواح	عالم حس عالم مثال و خیال	تفضیلا حقیقت عالم واجمالا صورت عنصری انسانی	-	نقد الفصوص فی شرح نقش الفصوص عبدالرحمان جامی
وجود مطلق حق	چربوت	ملکوت	ملک	انسان	-	مقدمات من کتاب نص الفصوص فی شرح فصوص الحکم شیخ حیدر آملی
عالم العیان الثابته و عالم آن غیب المطلق	عالم الجبروت	عالم الملکوت	عالم الملك الکامل	عالم الانسان الکامل	-	رسال قیصری سید جلال الدین آشتیانی
حضرت ذات، صفات و اسماء حضرت الوہیت	حضرت افعال، حضرت ربوبیت	حضرت مثال	حضرت خیال	حضرت حس و مشاهد	-	شرح نصوص الحکم کمال الدین عبدالرزاق کاشانی
-	-	-	-	-	-	شرح فصوص الحکم بالی افندی
غیب مطلق، حضرت ذات	حضرت عقول	حضرت ارواح	حضرت مثال	حضرت حس	-	فصوص الحکم و تلیقات ابوالعلاء غزینی

حضرت اول	حضرت دوم	حضرت سوم	حضرت چهارم	حضرت پنجم	حضرت ششم	توضیحات
-	-	-	-	-	-	شرح فصوص الحکم محمود محمود الغراب
-	-	-	-	-	-	شرح فصوص الحکم صائن الدین ترکه اصفهانی
-	-	-	-	-	-	ترجمه نقش الفصوص شاه نعمت الله ولی
غیب مطلق	عالم جبروت	عالم ملکوت	عالم ملک	عالم انسان کامل		نصوص الخصوص فی ترجمه الفصوص بابار کنا
حضرت غیب	الارواح	حضرت مثال	حضرت شهادت	عالم انسان کامل		تعریفات جرجانی سید شریف جرجانی
حضرت حقیقت	روح، نفس رحمانی	صورت جسمانی و شخصیت او	حقیقت قلبیه احدیت	عقل او		مشروع الخصوص الی معانی النصوص علی بن احمد مهائمی
مرتبه غیب و معانی و حضرت ذات	ارواح	عالم مثال و خیال منفصل	حضرت شهادت و حس	جامع تمام مراتب و حقیقت عالم و صورت عنصری انسانی		مشارق الدراری سعید الدین فرغانی
_____	_____	_____	_____	_____		رسالة النصوص صدرالدین قونوی
حضرت معانی	حضرت ارواح	حضرت مثال مطلق	حضرت مثال مقید	حضرت حس و شهادت		شرح فصوص الحکم عبدالرحمان جامی
مرتبه ذات	مرتبه صفات	مرتبه اسماء	مرتبه افعال	مرتبه احکام		جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص عبدالغنی نابلسی
جبروت	عالم ملکوت	عالم ملک	عالم عقول	عالم ارواح	عالم اجسام	نصوص النصوص شیخ حیدر علی املی

کتابنامه

۱. آشتیانی، سید جلال‌الدین؛ شرح مقدمه قیصری بر فصوص‌الحکم (با مقدمه فرانسوی و انگلیسی هنری کرین و دکتر سید حسین نصر)؛ بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۲. آملی، حیدرعلی؛ مقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص‌الحکم؛ توضیحات هنری کرین، عثمان اسماعیل یحیی، ج (۱)، انیستیتو ایران و فرانسه و پژوهش‌های علمی، ۱۳۵۲.
۳. _____؛ جامع‌الاسرار و منبع‌الانوار، به انضمام رساله نقد النقود فی معرفه الوجود؛ با تصحیحات و دو مقدمه هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی و ترجمه سید جواد طباطبائی، انجمن ایران شناسی فرانسه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۴. ابن ترکه اصفهانی، صائن‌الدین علی بن محمد؛ شرح فصوص‌الحکم؛ انتشارات بیدار قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۵. ابن عربی، شیخ‌الاکبر محی‌الدین؛ فصوص‌الحکم و تعلیقات؛ التعلیقات علیه ابوالعلاء عقیفی، انتشارات الزهراء.
۶. _____؛ فتوحات مکیه (۴ جلدی)؛ بیروت: دارصادر.
۷. _____؛ نقش‌الفصوص؛ تهران: ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۸. _____؛ ترجمه نقش‌الفصوص؛ ترجمان، سید نورالدین شاه نعمت‌الله ولی، مصحح، نجیب مایل هروی، انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۹. افندی، بالی؛ شرح فصوص‌الحکم؛ پاورقی شرح فصوص‌الحکم عبدالرزاق القاشانی، مصر: بالمطبعة المیمنة؛ ذی‌القعدة ۱۳۲۱ هجری.
۱۰. پارسا، خواجه محمد؛ شرح فصوص‌الحکم؛ تصحیح دکتر مسگر نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۱۱. جامی، عبدالرحمن؛ نقدالنصوص فی شرح نقش‌النصوص؛ با مقدمه و تصحیح و تعلیقات ویلیام چتیک و پیش‌گفتار سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: چاپخانه انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم/۱۳۷۰.
۱۲. _____؛ نفحات‌الانس من حضرات‌القدس؛ مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، تهران: اطلاعات، چاپ چهارم/ ۱۳۸۲.
۱۳. _____؛ شرح فصوص‌الحکم، هامش شرح جواهرالنصوص فی حل کلمات الفصوص؛ عبدالغنی نابلسی، طبع بمطبعة‌الزمان، امام سرای منصور پاشا، ۱۳۰۴.
۱۴. الجرجانی، سید شریف علی بن محمد؛ تعریفات جرجانی؛ انتشارات ناصر خسرو، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

۱۵. جندی، مؤیدالدین؛ شرح فصوص الحکم؛ به کوشش سید جلال الدین آشتیانی، با همکاری دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد، فروردین، ۱۳۶۱.
۱۶. _____؛ شرح فصوص الحکم؛ تصحیح و تعلیقه سید جلال الدین آشتیانی، بوستان کتاب قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۱۷. خوارزمی، تاج الدین حسین؛ شرح فصوص الحکم؛ به اهتمام نجیب مایل هروی، انتشارات مولی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
۱۸. شیرازی، رکن الدین مسعود بن عبدالله معروف به بابارکنا؛ نصوص النصوص فی ترجمه الفصوص/شرح فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی؛ به اهتمام دکتر رجبعلی مظلومی، پیوست مقاله‌ای از استاد جلال الدین همایی، انتشارات مطالعات اسلامی، دانشگاه مک گیل، شعبه تهران، با همکاری دانشگاه تهران.
۱۹. صدوقی سه‌ها، منوچهر؛ مقدمه قیصری بر شرح فصوص الحکم/ابن عربی؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
۲۰. الغراب، محمود محمود؛ شرح فصوص الحکم؛ ناشر مؤلف، مطبعه زیدین ثابت، ۲۰۰۰.
۲۱. فرغانی، شیخ سعیدالدین؛ مشارق الدراری؛ مقدمه جلال الدین آشتیانی، تهران: انجمن فلسفه و عرفان اسلامی، ۱۳۹۸ هـ/ق ۱۳۵۷.
۲۲. الفناری، حمزه؛ مفتاح الغیب صدرالدین قونوی و شرحه مصباح الانس؛ تعلیقات: میرزا هاشم الاشکوری، آیه الله الخمینی، السید محمد القمی، آقا محمد رضا قمشئی، حسن زاده آملی و فتح المفتاح، صححه و قدم له: محمد خواجوی، انتشارات مولی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۲۳. القاشانی، شیخ عبدالرزاق؛ شرح فصوص الحکم؛ طبع بالمطبعة المیمنة، مصر، ذی القعدة ۱۳۲۱ هجری.
۲۴. _____؛ شرح منازل السائرین (الفکوک)؛ قم: انتشارات بیدار.
۲۵. قیصری رومی، محمد داوود؛ شرح فصوص الحکم؛ به کوشش استاد جلال الدین آشتیانی، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲۶. _____؛ رسائل قیصری (التوحید والنبوة والولاية و اساس الوجدانية و نهاية البيان فی دراية الزمان؛ تعلیق و تصحیح و مقدمه از سید جلال الدین آشتیانی، چاپخانه دانشگاه مشهد، ۱۳۵۷ هـ.ش.
۲۷. قونوی، صدرالدین؛ النفحات الالهیه؛ تصحیح محمد خواجوی، انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲۸. _____؛ ترجمه فکوک (کلیه اسرار فصوص الحکم)؛ ترجمه محمد خواجوی، انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲۹. _____؛ الفکوک؛ تصحیح محمد خواجوی، انتشارات مولی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.

٣٠. _____؛ رسالة النصوص؛ جلال الدين أشتياني، مركز نشر دانشگاهي، چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد، ١٣٦٢.
٣١. مهائمي، علي بن احمد؛ مشرع النصوص الى معاني الفصوص؛ تصحيح سيد جلال الدين أشتياني انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، ١٣٧٩.
٣٢. نابلسي، عبدالغني؛ شرح جواهر النصوص في حل كلمات الفصوص؛ طبع بمطبعة العامرة الشرقية التي مركزها بشارع الخرنفش بمصر المحمية، سنة، ١٣٢٣.